



تحلیل سبک‌شناسی ترکیب‌بند «با کاروان نیزه» علیرضا قزوه

عزیز زیلابی^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

مسعود پاکدل^۲ (نویسنده مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

سیما منصوری^۳

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

منصوره تدینی^۴

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۱

چکیده

ترکیب‌بند «با کاروان نیزه» از علیرضا قزوه یکی از معروف‌ترین منظومه‌های ادبیات دینی معاصر به‌شمار می‌رود. شاعر ضمن خلق شعری حماسی و پرشور، بیشتر اهداف و نتایج آن واقعه را بیان کرده

۱. aziz.zilabi7070@gmail.com

۲. masoudpakdel@yahoo.com

۳. simamansoori@yahoo.com

۴. ms.tadayoni@gmail.com

و در باره عوامل ایجاد آن صحبت می‌کند و آن را بستری برای بیان مفاهیم آزادی، دفاع از حق و مقاومت در برابر ظلم قرار می‌دهد. در سطح ساختار، قوافی، ردیف‌ها و واژگینی‌هایش همه در راستای همین هدف انتخاب شده‌است. مضامین شعر او نیز از این واقعه به‌عنوان یک انقلاب عظیم خبر می‌دهد. توجه به موسیقی درونی، برجسته‌سازی مفاهیم و مضامین، استفاده از واژگان نشان‌دار، روانی و سادگی هوشمندانه، استفاده هنرمندانه از عناصر بلاغی، تصویرسازی محیل و عاطفی، مخاطب‌محوری، مفهوم‌گرایی، تأکید بر نهادینه‌ساختن مضامین دینی، انقلابی، انسانی و آرمانی از جمله ویژگی‌های سبکی شعر اوست. از آنجا که سبک‌شناسی ابزاری برای شناسایی هویت انسانی، علمی، ادبی و ایدئولوژیک شاعر است، از این رو این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس سبک‌شناسی لایه‌ای (مدرن) به بررسی ویژگی‌های بارز سبکی ترکیب‌بند عاشورایی این شاعر پرداخته‌است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شاعر از تمام امکانات و عناصر شعر در جهت تبیین اندیشه‌های دین‌باورانه‌اش بهره‌برده‌است و بر اساس همین اندیشه‌ها و مضامین علوی، حسینی و عاشورایی، او را می‌توان شاعری مفهوم‌گرا نامید. نگاهی به جنبه‌های ادبی و زبانی شعر قزوه نشان می‌دهد که شاعر با موازین ادبی و زبانی گذشته و حال آشنایی دارد و برای افزودن بر تأثیر کلام خود هر کجا که مناسب دانسته از آنها بهره‌برده‌است.

کلید واژه‌ها: ادبیات آیینی، ادبیات معاصر، سبک‌شناسی لایه‌ای، شعر عاشورایی، علیرضا قزوه

۱- مقدمه

سبک، شیوه خاصی است که نویسنده یا شاعر برای بیان مفاهیم خود در اثر ادبی به کار می‌برد. در مورد سبک از گذشته تاکنون تعاریف گوناگونی ارائه شده‌است. این اصطلاح در حال حاضر در مورد روش‌هایی به کار می‌رود که از طریق به کار بردن فنون و مفهوم‌های زبان‌شناسی به مطالعه تحلیلی ادبیات می‌پردازد. همچنین زاویه دید، مسائل زبانی، چگونگی شخصیت‌پردازی و چند و چون جهت‌گیری درون‌مایه را تعیین می‌کند. ویژگی‌های سبکی «ترکیب‌بند با کاروان نیزه» توجه به موسیقی درونی، برجسته‌سازی مفاهیم و مضامین، استفاده از واژگان نشان‌دار، روانی و سادگی هوشمندانه، استفاده هنرمندانه از عناصر بلاغی، تصویرسازی

مخیل و عاطفی، مخاطب محوری، مفهوم‌گرایی، تأکید بر نهادینه ساختن مضامین دینی، انقلابی، انسانی و آرمانی است.

علیرضا قزوه شاعر نسل انقلاب و از جمله شاعرانی است که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز با انقلاب و جریان حاکم همسو و همراه بوده‌است و از آنجا که دوران انقلاب اسلامی از حیث رویکرد شاعران به واقعه عاشورا بسیار حائز اهمیت است، این واقعه عظیم در بیشتر آثار شاعران انقلاب، با بسامد بالا انعکاس می‌یابد و بیشتر رویکردهای این حادثه سترگ در اشعار آنان مشاهده می‌شود و با توجه به این که در فضای شعر عاشورایی و آیینی دوران معاصر، کمتر به قالب‌های قدیمی پرداخته شده‌است، اغلب با شنیدن قالب ترکیب‌بند و ترجیع‌بند، تنها به یاد «باز این چه شورش است که در خلق عالم است» محتشم کاشانی می‌افتیم. (محتشم کاشانی، ۱۳۷۹، ص ۵۳۲) اما در دوران معاصر، علیرضا قزوه توانسته‌است در حوزه ادبیات آیینی و ذکر واقعه کربلا آثار ارزنده‌ای را از خود به یادگار بگذارد. ترکیب‌بند زیبای «با کاروان نیزه» از جمله آثار ماندگار این شاعر متعهد و انقلابی است که وی با بیانی هنری دیدگاه‌های مذهبی و آیینی به‌ویژه محبت و باور قلبی خود را به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را در چهارده‌بند به‌تصویر کشیده‌است به‌طوری که در بیست و چهارمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، به‌خاطر این کتاب جایزه تشویقی گرفت. بنابراین پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی، تفسیر و تحلیل این ترکیب‌بند پرداخته‌است و از آنجا که به شیوه سبک‌شناسی لایه‌ای (مدرن) در چهار سطح درباره این شاعر اثر مستقلی نوشته نشده‌است و نقد و تحلیل آثار ادبی با این رویکرد کمتر مورد توجه بوده‌است، پژوهش در این حوزه جزو ضروریات به‌نظر می‌رسد و تلاش می‌کند تا به اهداف زیر در این تحقیق دست پیدا کند:

- ۱- معرفی علیرضا قزوه به‌عنوان یکی از شاعران شاخص آیینی پرداز بعد از انقلاب
- ۲- تعیین عوامل و مشخصه‌های برجسته سبک‌ساز و نقش و ارزش آنها.

۳- تبیین نقش و تاثیر زیباشناسی و نقش ایدئولوژی عناصر مربوط به هر لایه.

پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته و سعی دارد به بررسی و تحلیل سبک‌شناختی ترکیب‌بند «با کاروان نیزه» سروده علیرضا قزوه به روش لایه‌ای و بر اساس کتاب سبک‌شناسی «نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها» اثر محمود فتوحی پردازد. از آنجا که الهام شاعرانه در زبان، بیان و فکر متجلی می‌شود، بهترین راه شناخت ماندگاری این اثر، تجزیه و تحلیل آن در سه محور زبانی، ادبی و فکری است که در این پژوهش، افزون بر شیوه‌های متعارف تحلیل سبک، دیدگاه مدرن یا لایه‌ای انتخاب گردیده است. برای همین منظور پس از مطالعه منابع و آثار مربوط به سبک‌شناسی، به یادداشت برداری از آنها پرداخته شد، سپس با طبقه‌بندی و تحلیل این یادداشت‌ها چارچوب نظام‌مندی برای تحلیل سبک‌شناختی این ترکیب‌بند ارائه گردید.

با توجه به این که شعر آیینی با پیروزی انقلاب اسلامی بیش از گذشته مورد توجه و استقبال شاعران امروز واقع گردیده است. و از آنجا که نقد و تحلیل آثار ادبی با این رویکرد کمتر مورد توجه بوده است لذا آگاهی از تغییر و تحولات این نوع شعر و شناخت آفات و ضعف‌های آن، برای آفرینش اشعار آیینی به گونه‌ای که در شأن بزرگان دین باشد و دوشادوش معارف اصیل اسلامی پیش رود و همچنین با توجه به گستره‌ای که حادثه عاشورا در شعر آیینی و مذهبی فارسی در دوره‌های مختلف داشته است و این مضامین اغلب در راستای احیای روحیه مبارزه با ظلم و پایداری برای حفظ ارزش‌های دینی و یاد حماسه عاشورا تاثیر چشمگیری داشته است؛ بنابراین، بررسی مضامین و ساختار اشعار عاشورایی و تحلیل چگونگی و شرایط سرودن این اشعار، برای شناخت جریان‌های فکری با رویکرد مذهبی، از ضروریات پژوهشی در این زمینه به‌شمار می‌آید.

پیشینه پژوهش

در مورد موضوع تحقیق تاکنون کتاب یا مقاله‌ای با این عنوان به صورت مستقل نوشته نشده است. اما در مورد سبک‌شناسی پژوهش‌های قابل توجهی صورت گرفته است که می‌تواند راهنما و الگوی بحث سبک‌شناسی ما در این پژوهش قرار گیرد که به چند مورد اشاره می‌کنیم:

در گاهی، در مقاله «جایگاه معنی در سبک شعر فارسی» (۱۳۸۳)، ارزش معنا در سبک‌شناسی شعر فارسی را مورد بررسی قرار داده است. مقاله با این دعوی آغاز می‌شود که دانش سبک‌شناسی بیشتر به مختصات ظاهری و مباحث صوری و زبان‌شناختی شعر اعتبار می‌دهد و در این کار معانی اندیشه‌ها و درون مایه‌های اشعار را یکسره نادیده می‌گیرد. در حالی که هم در سرآمدان شعر کهن و هم در تعبیر، شاخه مهمی از نقادان دو سده اخیر، معنی یکی از دو پایه اساس سبک‌ها و گاه حتی «تنها پایه آن» به شمار آمده است و قالب و محتوا کیفیت یک جوهر واحد.

پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «بررسی و تحلیل سبک‌شناسی آثار قزوه» جعفر مودن، ۱۳۹۳. وی پس از تعریف سبک‌شناسی و معرفی علیرضا قزوه، زندگی ادبی و آثار وی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که مهم‌ترین ویژگی زبانی وی استفاده فراوان از لغات و اصطلاحات عربی و از ویژگی‌های ادبی وی، استفاده فراوان از تشبیه، تشخیص، تلمیح و غزل‌سرایی است و از جنبه فکری نیز بیشترین درونمایه آثار وی را مضامین دینی و مذهبی و ادبیات دفاع مقدس شکل می‌دهد.

مقاله «تلمیحات در اشعار قزوه» نوشته عبدالحمید محمودی (۱۳۹۵) که به شاخص‌ترین تلمیحات در برخی آثار قزوه اشاره دارد.

مقاله «بررسی مضمون‌ها و حوزه‌های عرفان در مجموعه اشعار قزوه» نوشته علی عابدی و حسین یزدانی (۱۳۹۶) که رهیافتی است به اهمیت موضوع عرفان در ادب پایداری و ظرفیت‌های ادبی این شاعر که می‌تواند احیاگر برجستگی‌های اخلاقی و فضیلت‌های فراموش شده دفاع مقدس نیز باشد.

هوشنگ محمدی در مقاله‌ای با عنوان «سبک‌شناسی لایه‌ای مجموعه اشعار قیصر امین‌پور» به بررسی جنبه‌های گوناگون سبکی شاعر پرداخته و شعر وی در چهار لایه آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی مورد بررسی قرار داده‌است. تحقیق حاضر ضمن الگوپذیری از مقاله مذکور، همین تقسیم‌بندی را در سبک شعر علیرضا قزوه ملاک کار قرار داده‌است و تا کنون به شیوه سبک‌شناسی لایه‌ای (مدرن) در چهار سطح و ویژگی درباره این اثر شاعر تحقیق مستقلی نوشته نشده‌است.

مبانی تحقیق:

الف- علیرضا قزوه

علیرضا قزوه از شاعران معاصر ایران است. وی در بهمن ماه ۱۳۴۲ شمسی در گرمسار سمنان متولد شد. تحصیلات خود را تا سطح دیپلم متوسطه در زادگاهش ادامه داد. در سال ۱۳۶۴، وارد دانشگاه حقوق قضایی قم شد و در سال ۱۳۶۹، به دریافت مدرک کارشناسی این رشته نائل آمد. وی تحصیلات خود را در رشته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی ادامه داد و در سال ۱۳۷۶ موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد گردید و سپس در سال ۱۳۹۱ توانست دکترای رشته زبان‌شناسی خود را از دانشگاه ملی تاجیکستان دریافت نماید. قزوه مسئولیت‌های چون: مسئولیت صفحه «بشنو از نی» روزنامه اطلاعات (۱۳۷۶-۱۳۶۸) وابسته فرهنگی ایران در کشور تاجیکستان (۱۳۷۸-۱۳۷۶) رایزن فرهنگی و مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران در هندوستان (۱۳۹۱-۱۳۸۶) دبیر چهاردهمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس در استان کرمانشاه، دبیر نخستین جشنواره بین‌المللی شعر فجر و مسؤل دفتر شعر و موسیقی وزارت ارشاد اسلامی را در کارنامه خود دارد.

ب- سبک‌شناسی لایه‌ای یا مدرن

سبک‌شناسی لایه‌ای (مدرن)، دانشی است که از جامع‌ترین شیوه‌ها در بررسی متون بهره‌می‌گیرد؛ بدین معنی که از کوچک‌ترین سازه‌های زبان؛ یعنی آواها آغاز می‌کند و تا

واژگان و انواع و کیفیت کاربرد آنها و تعابیر و ترکیبات، همچنین نحو و ساختار جمله‌ها و بلاغت و کاربرد اندیشه و ایدئولوژی هنرمند به تجزیه و تحلیل می‌پردازد. سبک‌شناسی لایه‌ای که نخستین بار در کتاب سبک‌شناسی «نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها» (۱۳۹۱) اثر محمود فتوحی معرفی و به‌کار برده‌شد، ترکیبی از شیوه‌های سنتی و مدرن در تحلیل متون و آثار هنری است. در سبک‌شناسی لایه‌ای، مبانی سبک‌ساز در پنج لایه‌ی زبان (آواشناسی، ساخت واژی، نحو، معنی‌شناسی و کاربردشناسی)، واکاوی می‌شود. این روش در سبک‌شناسی ادبی، از آن روی که سبک را در پنج لایه بررسی می‌کند، «سبک‌شناسی لایه‌ای» نامیده می‌شود. (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۲۶) مزیت روش لایه‌ای در آنست که بهره‌گیری از روش‌های متنوع را در هر لایه امکان پذیر می‌سازد و سهم هر لایه را در برجسته‌سازی متن، جداگانه مشخص می‌کند.

ج- شعر آیینی

از دیدگاه بسیاری از عوام و حتی خواص، شعر آیینی شعری است که صرفاً پیرامون مناقب و مرثیاتی امامان شیعه سروده شده‌باشد و از این دیدگاه به شعری که پیرامون مناسبت‌های مذهبی و فرایض دینی و منقبت و مرثیه چهارده معصوم سروده‌شود؛ شعری آیینی گفته می‌شود؛ اما از دیدگاه تخصصی‌تر، شعر آیینی دارای قلمرو وسیع‌تری است. «شعر آیینی در مفهوم عام کلمه؛ باید به شعری اطلاق گردد که از آبشخور آموزه‌های دینی- و نه تنها دین اسلام- سرچشمه گرفته باشد. در این گستره از معنا، شعر شاعرانی هم که به ستایش برخی مظاهر دین عیسوی، موسوی، زردشتی می‌پردازند: نظیر «قصیده ترسائیه» از خاقانی (قرن ششم) «زراتشت‌نامه» از کیکاوس رازی (قرن هفتم) «از این اوستا» یا «ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم» از اخوان ثالث و «مرگ ناصری» از احمد شاملو، در حلقه شعر آیینی جای دارند.» (منیری، ۱۳۹۱، ص ۱۲)

۲- بحث و بررسی

با توجه به اهمیت موضوع حادثه عظیم عاشورا و شهادت امام حسین (ع) و اهمیت ترکیب‌بند با کاروان نیزه علی‌رضا قزوه به‌عنوان یکی از ماندگارترین مرثیاتی، این مقاله قصد دارد به شیوه

لایه‌ای (مدرن) به تحلیل سبکی این ترکیب‌بند پردازد و علل شهرت و تأثیرگذاری آن را بررسی و تبیین نماید. با بررسی و تأمل در ساختار ظاهری این ترکیب‌بند، چه از نظر واژگان و چه از نظر وزن و قافیه و امثال اینها، مشخص می‌شود که شاعر بطور عمد و با اهداف خاصی این قالب را انتخاب نموده است. با توجه به مرحله به مرحله بودن وقایع در روز عاشورا، شاید این قالب نسبت به سایر قالب‌ها، شکل مناسب‌تری برای طرح این حادثه باشد. در میان سوگ‌سروده‌های عاشورایی، اشعار زیبایی در قالب‌هایی دیگر از جمله مثنوی و قصیده نیز سروده شده است؛ اما شکل ترکیب‌بند فضای مناسبی است تا به صورت مجزا دربارهٔ مصائب آن روز سخن گفته شود.

۳- ویژگی‌های زبانی

۳-۱- لایهٔ آوایی

لایه آوایی بحث از صنایع بدیعی است که کلام عادی را کم و بیش تبدیل به کلام ادبی می‌کند و یا کلام ادبی را به سطح والاتری تعالی می‌بخشد و موسیقی لفظی و معنوی کلام را افزایش می‌دهد.

تحلیل آوایی سبک به الگوهای صوتی و شیوهٔ تلفظ در زبان گفتار و نوشتار نظر دارد و در پی پاسخ به این پرسش است که مشخص کند، کاربرد خاص الگوهای آوایی و واجی زبان تا چه اندازه می‌تواند گفتار یک شخص را برجسته و نقش و ارزش زیبایی شناسی و تأثیر سخن را بیشتر کند. (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۸)

۳-۱-۱- چگونگی عناصر موسیقی‌ساز (با محوریت وزن عروضی، قوافی و ردیف‌ها) وزن این ترکیب‌بند «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلان» از متفرعات بحر مضارع ساخته شده است. علاوه بر وزن عروضی، از جمله عوامل موسیقی‌ساز در این ترکیب‌بند قافیه و ردیف است که به شرح زیر می‌باشد:

۳-۱-۱-۱-وضعیت قوافی

آهنگی که با تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها در پایان مصرع‌های شعر ایجاد می‌شود، به نوعی ویژگی خاص هر شعر است که متناسب با فضای شعر و برای القای مفاهیم آن انتخاب می‌شود و چه بسا، یک موضوع اگر در دو شعر با دو قافیه متفاوت سروده شود، تأثیرگذاری آنها متفاوت خواهد بود (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸، ص ۶۴) معمولاً شاعر واژه‌ای را قافیه قرار می‌دهد که بخواهد بر آن تأکید کند و قافیه غالباً از بین کلماتی انتخاب می‌شود که در شعر برجستگی خاصی دارد و معمولاً واژه‌های کلیدی شعر است؛ حتی گاهی همین آهنگی که در قافیه ایجاد می‌شود، در القای بهتر مفاهیم کلام مؤثر است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸، ص ۷۲)

در این ترکیب بند عاشورایی، ۵ بند بی‌ردیف وجود دارد؛ اما به نظر می‌رسد حتی در بندهای مردف نیز این واژه‌های قافیه است که هم از نظر موسیقی، هماهنگی خاصی در ابیات ایجاد می‌کند و هم در اغلب بندها رابطه‌ای بر پایه تداوی و تلمیح بین واژه‌های قافیه برقرار می‌سازد.

بند اول	بند دوم	بند سوم	بند چهارم	بند پنجم	بند ششم	بند هفتم	بند هشتم	بند نهم	بند دهم	بند یازدهم	بند دوازدهم	بند سیزدهم	بند چهاردهم
خطر ا	باز، تر	بی‌صد ا	تیر	دهان	البر ت	دین	تر	هست	ساغر	درخشان	سیب	ماه	مدام
سفر ا	جاز گداز تر	ماجرا گیر	گلو	ارغوا ن	الصلا ت	تسک ین	سر	دست	کوثر	قرآن	صلیب	چاه	علی‌الوا م
خبرها تر	دراز تر	کربلا	تیر	خیزرا ن	کاینا ت	این	علی کبر	شک ست	محشر	شهدان	حبیب	قتلگاه	قیام
جگر ها	دلنوا زتر	را	شم شیر	نیمه ان	فرات	پایین	علی صغر	شک ست	خنجر	حیوان	غریب	بی‌سپاه	مسجد لحرام
شکر ا	سر فراز تر	با	بی‌ش یر	برسنا ن	نجات	پرود ن	انگ شتر	نش ت	سر	دندان	نصیب	نگاه	جام

سرها	بی‌نیا زتر	یا	تقصه یر	کاروا ن	حیات	چرم ین	حنجر	الست	لشکر	شهدان	فریب	آه	شام
گهره ۱	پاک بازتر	تا	تکبیر	جان	ممات	یاسین	منبر	مست	منبر	مغیلان	یجیب	سیاه	تمام
سحر ها			زنجیر										

همان‌گونه که در جدول فوق ملاحظه می‌شود؛ مثلاً در بند پنجم که شرح مصائب خود امام حسین (ع) و حدیث نفس حضرت است، به طرز معنی‌داری واژه‌های «دهان، ارغوان، خیزران، سنان، کاروان و جان» قافیه شده‌است یا در بند چهارم «تیر، گلوگیر، شمشیر، بی‌شیر، تقصیر، تکبیر و زنجیر» واژه‌های قافیه‌است که رابطه و تلمیحی که بین آنها وجود دارد، آشکار است؛ همچنین در بند هشتم، تلمیح موجود بین واژه‌های قافیه «تر، سر، علی اکبر، علی اصغر، انگشتر، حنجر و منبر» کاملاً مشهود است؛ البته در این بند همه قوافی با ردیف «شما» همراه شده و به نوعی همه این واژه‌ها و مفاهیم به امام حسین (ع) منسوب شده‌است که عمق معنایی آن را بیشتر می‌کند و ارتباط آنها با یکدیگر مستحکم‌تر و نمایان‌تر می‌شود. قزوه گاهی تمام مفهوم ابیاتش را در واژه‌های قافیه می‌ریزد؛ مثلاً همان‌گونه که قبلاً بیان شد، در بند اول که از بندهای مردف شعر اوست، در دو بیت نخست واژه‌های «خطر، سفر و خبر» را قافیه قرار داده‌است و این سفر و حرکت امام (ع) را سفری پرخطر و پرخبر معرفی می‌کند و در قوافی بعدی، همین بند واژه «سر» کنار این واژه‌ها قرار می‌گیرد که معنی پرخطر و خبر بودن این سفر را تفسیر می‌کند.

۳-۱-۱-۲- وضعیت ردیف‌ها

ردیف، موسیقی و آهنگی در کلام ایجاد می‌کند که هماهنگی آن با مفهوم کلام در تأثیرگذاری و القای بهتر مفاهیم بسیار مؤثر است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸، صص ۱۳۸-۱۶۱) باید توجه داشت که شاعر با ذکر ردیف و انتخاب این حالت تکرار در کلام، چه اهدافی را

دنبال می‌کند. در یک شعر مردف باید رابطه این نوع خاص از موسیقی کلام با مضمون سخن سنجیده شود. تأمل در چگونگی ردیف‌ها در این شعر نشان می‌دهد که شاعر در این ترکیب‌بند، در ۷ بند از ردیف فعلی و در ۲ بند (سوم و هشتم) ردیف اسمی و در ۵ بند بدون ردیف استفاده کرده است. در این ترکیب‌بند روش یک‌دستی در مردف آوردن همه بندها وجود ندارد و حتی در آوردن ردیف‌های فعلی و اسمی نیز وضعیت یکسانی در آن دیده نمی‌شود؛ بلکه به نظر می‌رسد شاعر در هر بند به اقتضای فضای شعر و محتوای مطلب از موسیقی کلام بهره برده است.

بند	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم
ردیف	دراوگم است	----	فرات	می‌زدند	کنند	----	بیاورید
بند	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم	سیزدهم	چهاردهم
ردیف	شما	----	چه حاجت است	برآمده است	بود	----	----

همان‌گونه که در جدول ردیف‌ها دیده می‌شود؛ مثلاً در بند سوم به تناسب مطالب، شاعر کلمه «فرات» را التزام کرده است و آن را برای القا کردن مفهومی خاص تکرار می‌کند تا تلمیح‌گونه، همه حوادثی را که در آن روز به نوعی با این واژه پیوند می‌خورد، تداعی کند. قرار گرفتن فرات در موضع ردیف، نوعی تکرار است که در عین حال باعث ایجاز در کلام می‌شود و شاعر را از بیان صریح بسیاری از حوادث آن روز بی‌نیاز می‌کند. شاعر در هر بندی در آوردن ردیف، شیوه‌ای خاص در پیش گرفته است که با دقت در مضمون بندها، چرایی این تنوع در وضعیت ردیف‌ها مشخص می‌شود. قزوه سعی می‌کند در هر موضعی، از امکانات زبانی و موسیقایی برای پرورش معنا بیشترین بهره را ببرد؛ مثلاً در بند هشتم، چون خطاب سخنش با امام حسین (ع) است، ردیف «شما» را آورده است که موسیقی و فضای عاطفی شعر را تقویت کرده است یا در بند هفتم، التزام ردیف «بیاورید» در کلامی که از زبان امام حسین (ع)

خطاب به مردم کوفه بیان می‌شود، تداعی‌کننده فریاد «هل من ناصر» امام و دعوت ایشان به قیام است. و بار معنایی تحریض ایجادشده در کل کلام، از این واژه ردیف القامی‌شود. در این بند نیز، ردیف «بیاورید» ایجازی در کلام ایجاد می‌کند که شاعر را از ذکر مشروح بسیاری از مطالب بی‌نیاز می‌کند. قزوه تأکیدی بر آوردن ردیف در شعرش ندارد؛ مگر آنجا که این ردیف بتواند در القا یا تکرار یک معنای خاص نقشی ایفا کند. تقریباً در همه بندها مردف این شعر، ردیف‌های هدفدار انتخاب شده‌است؛ مثلاً در بند چهارم، ردیف «می‌زدند» کاملاً متناسب با فضای بند انتخاب شده و کنار واژه‌های دیگر از مصایبی چون آتش‌زدن خیمه‌ها در عصر عاشورا، تیرزدن به خیمه‌ها، تیرزدن به حلق شیرخوار، زخم زبان‌زدن و امثال اینها سخن می‌گوید؛ بنابراین در این شعر، تقریباً در همه ۹ بند مردف، واژه‌های ردیف با هدف انتخاب شده‌است و هر کدام تداعی‌کننده مفهومی‌است؛ حتی گاهی ناگفته‌ها در الفاظ ردیف مستتر است یا واژه ردیف در یک بیت رسالتی دارد که با مفهوم همان واژه در ردیف بیت بعد متفاوت است.

گاهی ردیف در شعر قزوه علاوه بر موسیقی، معنایی را در کلام ایجاد می‌کند که گویی هدف از سرودن آن بند، در آن معنا خلاصه می‌شود. در این شعر واژه‌هایی ردیف است که تکرارشان عین ایجاز است و شاعر را از ذکر بسیاری از مطالب بی‌نیاز کرده‌است و معنایی را با تلمیح به مخاطب القا می‌کند.

۳-۱-۲- تکرار

تکرار در ادبیات و به‌خصوص در شعر نقش بسزایی دارد و در صورت کاربرد مناسب می‌تواند بر جنبه زیبایی‌شناسیک و هنری اثر تأثیرگذار باشد. نگاهی به ساختار آوایی و ارکان تشکیل دهنده آن در شعر علیرضا قزوه بیانگر آن است که این ساختار بر پایه عنصر تکرار شکل گرفته‌است؛ تکرار واج، هجا، واژه، گروه، جمله و... در اشعار قزوه به روش‌های مختلف

به طور برجسته مشاهده می‌شود که شاعر در راستای ساختمان‌نمودن و موسیقایی کردن شعر خود از آن بهره گرفته است. تکرار از عوامل تشخیص زبان اوست:

امشب به نوحه خوانی‌ات از هوش رفته‌ام از تار وای وایم و از پود آه آه (قزوه، ۱۳۸۶، ص ۴۴)

در بیت بالا تکرار واژه‌های «وای» و «آه» القا کننده فضای اندوهگین حادثه عاشورا و بیان کننده تأثر درونی شاعر است.

تکرار نشانه جمع «ها» در بند اول (۸) بار تکرار نشانه صفت تفضیلی «تر» در بند دوم (۸) بار تکرار ضمیر شخصی دوم شخص جمع «شما» در بند هشتم (۷) بار تکرار واژه «فرات» در بند سوم (۹) بار

شاعر در این ترکیب بند برای القا کردن مفهومی خاص از عنصر تکرار بهره برده است. آنچه‌آنکه در بند اول با تکرار نشانه جمع «ها» خبر از واقعه‌ای مهم داده است و عظمت و شکوه واقعه عاشورا را نشان می‌دهد و سفر و حرکت امام حسین (ع) را سفری پرخطر معرفی می‌کند. در بند دوم با تکرار نشانه صفت تفضیلی «تر» تأثر درونی خود را از این که، سر مبارک امام حسین (ع) بر نیزه در حال تلاوت قرآن بود، بیان کرده است.

قزوه سعی می‌کند در هر موضعی، از امکانات زبانی و موسیقایی برای پرورش معنا بیشترین بهره را ببرد؛ مثلاً در بند هشتم، چون خطاب سخنش با امام حسین (ع) است، با تکرار ضمیر «شما» موسیقی و فضای عاطفی شعر را تقویت کرده است یا در بند هفتم، تکرار کلمه «بیاورید» در کلامی که از زبان امام حسین (ع) خطاب به مردم کوفه بیان می‌شود، تداعی کننده فریاد «هل من ناصر» امام و دعوت ایشان به قیام است.

فرات در شعر معاصر و حتی دوران پیش، همیشه مخاطب شاعر بوده است، و در مواردی با سروده‌هایی مواجهیم که شاعر در آن به عنوان مثال، به فرات تشخیص بخشیده و آن را به علت قصورش در واقعه عاشورا مورد سرزنش قرار می‌دهد؛ آنگاه که در آغوش فرات، فرشتگان

آسمان کربلا تشنه لب جان‌دادند، و این در حالی است که فرات نظاره‌گر این تشنه‌کامی و در عین حال ایستادگی آنان تا پای جان بود:

فرصت‌دهید گریه‌کند بی‌صدا، فرات با تشنگان بگوید از آن ماجرا، فرات
گیرم فرات بگذرد از خاک کربلا باورمکن که بگذرد از کربلا، فرات
(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۲۸)

قزوه در بند سوم با تکرار کلمه «فرات» آن را مورد خطاب قرار داده و در عین حال که باعث ایجاد در کلام شده‌است، تلمیح‌گونه، همه حوادثی را که در آن روز به نوعی با این واژه پیوند می‌خورد، تداعی کرده‌است.

۳-۲- لایه واژگانی

سبک، هنر واژگرنی است و در کار شناخت سبک‌ها، پیش از هر چیز باید چشم بر واژه‌ها دوخت. چرا که بخش عمده‌ای از سرشت یک سبک را، نوع‌گزینش واژه‌ها می‌سازد. بنابراین واژه‌ها، جاندار و پویایند و موقعیت ایدئولوژیک واژه‌ها تعیین‌کننده موضع شاعر و نگرش او به تحولات است. علیرضا قزوه در این ترکیب‌بند در انتخاب واژه‌ها بسیار دقیق و با تأمل خاصی عمل کرده‌است، بطوریکه واژه‌ها از دایره واژگانی مربوط به حوادث آن روز و شخصیت‌های حاضر در آن واقعه انتخاب شده‌است یا غیر مستقیم با آن واقعه مرتبط است و با تلمیح آن مصائب را گزارش می‌کند، و رویکردی است که نوع نگرش شاعر را نسبت به این واقعه نشان می‌دهد. با تأمل در مضامین این شعر و شیوه بیان مطالب، به نظر می‌رسد که بندهای نخست این ترکیب‌بند، چه از نظر مضمون و چه به لحاظ واژه‌ها و ترکیب‌ها، براعت استهلالی برای ورود به متن شعر است و فضای کلی این منظومه را معرفی می‌کند، حتی ابیات نخست در بندهای آغازین شبیه به تابلویی است که نمای کلی فضای حاکم بر این شعر را معرفی می‌کند. قزوه در این ترکیب‌بند، سخن خود را با واژه‌هایی چون «راه، خطر، هفت منزل و سفر» شروع کرده که تصور متنی عرفانی را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند.

علیرضا قزوه در بند اول این ترکیب‌بند، واژه‌های مهمی چون «راه، خطر، هفت منزل، سفر، آتش و خون، تشنگان چشمه‌احلی من العسل، شربت، طوفان کربلا، جوهر اشک، هفتاد دو ستاره، شب و سحر» را می‌آورد که گویی مقدمه منظومه اوست که این واژه‌ها، اشاره‌وار برخی از حوادث روز عاشورا را به ذهن متبادرمی‌کند؛ اما مجموعه این واژه‌ها، فضایی عرفانی و تصویری خوشایند را از آن واقعه ترسیم می‌کند. گویی قزوه آن حادثه را از دید امام و خاندان و یارانش توصیف می‌کند و در آن روز چیزی نمی‌بیند جز زیبایی و سلوک عرفانی. در دیگر بندهای این ترکیب‌بند، وضعیت واژه‌گزینی‌ها نیز به همین صورت است:

«گریه بی‌صدا، چشم اهل راز، بغض گلوگیر، چهارتکبیر، دست تهی بودن سپاه نیزه، پای سر، نماز عشق، طوفان خون، نجات‌بخش بودن خاک تو، خضر شهادت، حیات لم یزلی، دست خداگونه، صدای الست دوست، لشکر خدا، بلی تشنه‌لبان، عاشقان مست، طوفانی از سماع شهیدان، راز غدیر، شرح فدک، شرق نیزه، باغ شهادت، شاه بی‌سپاه، مستان کربلا، ساقی، باده، جام»

گویی قزوه قصد دارد مخاطب را به جنبه‌های عبرت‌آموز واقعه عاشورا هدایت کند تا پایه‌پای او نگاهی نو را در این روز پرحادثه و سرشار از عبرت تجربه کند؛ حتی آنجا که اسامی اشخاصی از جمله باطل آن روز در شعر می‌آید، هدف صرفاً یادکرد از آنها و جنایتشان به بدی و کراهت نیست؛ بلکه به‌عنوان نمونه‌ای از بشریت در زوال معرفی می‌شوند؛ در مقابل، گاهی شاعر اسامی امام و خاندان و یارانش را می‌آورد تا یاد و نام آنها در خاطره‌ها جاودانه بماند. اینجاست که به‌صورت پراکنده در طول چهارده‌بند از «قنداق اصغر، طفل سه‌ساله، نعش اکبر و خون علی اصغر» نام می‌برد؛ البته ذکر اسامی پاکان و اشقیاء در این شعر محدود است. در شعر قزوه اگر سخن از گریه است، بی‌صداست و اگر بغضی است، گلوگیر و فاش نشده‌است. اگر طوفانی است، طوفان خون امام و شهداست؛ نه طوفان غم. ساقی شعر قزوه، ساقی مستان است نه تشنگان. سبب آمدن امام به عراق، عشق است؛ نه بیعت کوفیان و امام یارانش را با

خطاب «هلا عاشقان مست!» به بر کشیدن پیمانۀ شهادت نویدمی دهد و تشنگی موجی است که صدف های وجود آنها را پر از درمی کند.

کاربرد زبان در پیوند با بافت واژگانی آن در شعر، یکی از عناصر کلیدی برای ساختار آن است. شکل دهی محتوا و ارائه آن در یک شکل معین به خاطر تاثیرگذاری ژرف در ذهن مخاطب به وسیله زبان صورت می گیرد. (ثمره، ۱۳۸۶، ص ۲۲) «قزوه» به ویژه در دورۀ کمال دگرگونی سبکی، آگاهانه نسبت به این نکته آشناست.

۳-۲-۱- عینی بودن واژه ها

شاعر برای بیان مفاهیم انتزاعی اکثرا از واژه های عینی استفاده می کند و از چیزهایی سخن می گوید که درحوالی ذهن و جسم همه آدم های معمولی جامعه نیز وجود دارد و از واژه هایی استفاده کرده است که غالبا ساده و مردمی است و در تخاطب عموم به کارمی رود، و این سادگی و صمیمیت ناشی از همان صداقتی است که شاعر با مخاطب خود برقرار کرده است؛ واژه هایی مانند: خیمه، صبح، باران، غروب، نیزه، طوفان، فرات، گریه، اشک و...

با کاروان نیزه شی را سحر کنید باران شوید و با همه تن گریه سر کنید (قزوه، ۱۳۸۶، ص ۱۹)

انتزاعی) واقعه کربلا از واژه های عینی (نیزه، باران، گریه) بهره جسته است:

۳-۲-۲- واژه های نشان دار

واژه های نشان دار، واژه هایی هستند که علاوه بر یک مفهوم خاص، دربردارنده معانی ضمنی و مفاهیم ارزشی نیز هستند که نگرش و طرز تلقی نویسنده و گوینده را در خود دارند. در این ترکیب بند واژه «نیزه» بیش از واژه های دیگر مورد تأکید قرار گرفته است و از این رو نشان دار شده است. این واژه، همه جا به معنای نیزه هایی به کاررفته است که سر شهیدان کربلا را پس از شهادت بر روی آنها گذاشتند و در شهر می چرخاندند.

باران نیزه بود و سر شهبسوارها جز تشنگی نکرد علاج خمارها (قزوه، ۱۳۸۶، ص ۱۷)

واژه نیزه در طول شعر، پانزده بار آمده است، که این بسامد کاملاً نشان از تعمد شاعر در این ترکیب‌بند دارد. مفاهیم دیگری که در این شعر مطرح شده‌اند و در فرهنگ عاشورایی نشان‌دار هستند و معنایی متفاوت از معنای عام و همیشگی خود گرفته‌اند عبارتند از: «گودال»، «عطش»، «کربلا»، «محرّم»، «گریه»، «غم»، «اشک»، «سوگ» و «خون» و «فرات» و «می» و «نی»

۳-۲-۳- واژه‌های دینی

از دیگر ویژگی‌های سبکی قزوه حضور پررنگ اصطلاحات و واژه‌های دینی، مذهبی، انقلابی و جنگ که منجر به خلق تلمیح و مراعات نظیرهای زیبایی شده است. واژه‌هایی مانند: «مقتل، قیامت، خدا، عاشورا، کربلا، محشر، قرآن، خیمه، عرش، اصغر، عباس، یوسف، سجده، حج، نماز، تکبیر، اذان، شمر، حرمله، مرگ، صلات، وضو، نوح، شهادت، خضر، دین، بیعت، علی اکبر، مکه، مدینه، محراب، سوره، احزاب، الست، بلی، زمزم، کوثر، صراط، منبر، نوحه، غدیر، فدک، شهید، حجاز، عراق، قتلگاه، مسیح، صلیب، کوفه، مولا، امن یحیی، شام، روضه، یاسین، تلاوت، حبیب، حسین، حرز، مرقد، مسجدالحرام» (۶۰) مورد در این ترکیب‌بند موقعیت ایدئولوژیک واژه‌ها روشن و تعیین‌کننده موضع شاعر و نگرش او به تحولات است. واژگانی که سرشار از بار ایدئولوژیک و حامل مبانی اعتقادی و انقلابی شاعر است.

از مکه و مدینه، نشان داشت کربلا گل داد «نور» و «واقع» در حنجر شما
گاهی به غمزه، یاد ز اصحاب می‌کنی بر نیزه، شرح سوره احزاب می‌کنی
(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۲۶)

شاعر در ابیات بالا با کاربرد اصطلاحات و واژه‌های مکه، مدینه، کربلا، نور و سوره احزاب از مضامین فرهنگ اسلامی طبع آزمایی کرده و تلمیح و مراعات نظیر زیبایی خلق کرده است.

۳-۲-۴- واژه‌های انقلابی

بسامد واژه‌های انقلابی چون: قیام، شهید، شهادت و لاله در این ترکیب‌بند نسبت به کاربرد سایر واژه‌ها کمتر است.

انگشت ما گواه شهادت که روز مرگ انگشتی ز دست شهیدان درآمده‌ست
(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۳۷)

قربان آن پری که رساند تو را به عرش قربان آن سری که سجودش شود قیام
(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۴۴)

۳-۲-۵-واژه‌های جنگ

علیرضا قزوه به‌خاطر علاقه شدیدش به امامان از جمله امام حسین (ع) و واقعه بزرگ کربلا، روحیه ایستادگی و شهادت در بیشتر آثارش بخصوص در این ترکیب‌بند به‌رخ کشیده‌شده است. چرا که الگوی درمقاومت، امام شهیدش می‌باشد. از دیگر ویژگی‌های سبکی قزوه حضور پررنگ «اصطلاحات و واژه‌های جنگ» که منجر به خلق مراعات‌نظیرهای زیبایی شده‌است. واژه‌هایی مانند: «نیزه، سنان، خطر، انتقام، آتش و خون، تیر، شمشیر، جوشیدن خون، سپاه، لشکر، تیغ، اسیری، قتلگاه، شهادت، شهید، حادثه، گودال، تاراج، زخم، خنجر» (۲۰ واژه)

از بس که تیر بود و سنان بود و نیزه بود هفتاد حجله بسته‌شد از خیمه تا فرات

(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۲۷)

در این ترکیب‌بند که واقعه عاشورا را به تصویر کشیده‌است، همچون شعر دفاع مقدس، شاعر در بسیاری موارد مجبور می‌شود از اسباب و وسایل جنگ و واژه‌هایی متناسب با آن بهره‌بگیرد که نظیر این کاربرد در گونه‌های دیگر شعر فارسی به مراتب کمتر است.

۳-۲-۶-ترکیبات جدید

ترکیب‌سازی از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که شاعران در راستای تازگی زبان و ایجاد خلاقیت در آن وارد شده‌اند. قزوه نیز با ایجاد پیوند میان کلماتی که حوزه معنایی دور از هم و متضاد دارند، ابهام هنری و معانی عمیق و برجسته‌ای ایجاد کرده‌است. ایجاد تازگی در محور همنشینی از طریق ترکیب‌سازی و انجام رفتارهای تازه با مقوله‌های دستوری در ترکیب و

کاربرد ترکیبات عامیانه، زبان شعری او را برجسته ساخته است. از کارکردهای هنری دیگر ترکیب‌سازی قزوه ایجاد موسیقی است که از طریق تناسب آوایی و تکرار کلمه در ترکیب ایجاد شده است. وی با فشرده‌سازی تصاویر، آنها را به صورت اضافات استعاری و تشبیهی ارائه کرده و ترکیباتی هنری و دارای ارزش‌های زیباشناسی ساخته است:

«کاروان نیزه، باران نیزه، تلاوت خورشید، طفل آب، مشق گریه، سپاه نیزه، چشم فرات، مشک تشنه، نوح حادثه، خضر شهادت، دیوان کوفه، موج تشنگی، طوفان کربلا، غوغای فتنه، پای سر، تلاوت خون، باران تیر، صدای الست»

طوفان خون وزیده، سر کیست در تنور؟ خاک تو نوح حادثه را می‌دهد نجات!

(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۲۷)

۳-۲-۷-رنگ‌ها

عنصر رنگ، نقش ویژه‌ای در صور خیال و نوسازی تشبیهات و استعاره‌های حسی دارد. رنگ‌ها در شعر می‌توانند حال و هوای تصویرها را از نظر تغزلی، حماسی، مذهبی و... به‌خوبی نشان‌دهند و تاثیر بسزایی در رسانیدن پیام گوینده به مخاطب داشته‌باشند و به تقویت یک حس و پررنگ کردن یک زمینه ویژه و مدنظر شاعر کمک کنند. رنگ، گاهی نشانه بارز یک بعد فرهنگی یا اعتقادی است. رنگ در شعر «قزوه» نمود خاصی دارد. رنگ «سرخ» از جمله رنگ‌هایی هستند که در این شعر به کار گرفته شده است و استفاده شاعر از واژه «سرخ» برای ترکیب‌سازی چون: «سیب سرخ» و «حادثه سرخ رسیدن» نشانه توجه شاعر به این رنگ در القای فضای خونین حماسه شهیدان و ترسیم جاودانه بودن یاد و خاطره آنان است. دلیل اینکه علیرضا قزوه از رنگ سرخ بیشترین بهره‌ها را برده است، به فرهنگ اسلامی ایران زمین برمی‌گردد چرا که در فرهنگ خود، رنگ سرخ را همواره نماد شهید و شهادت قلمداد کرده‌ایم و شهید را نماد جاودانگی می‌دانیم. رنگ سرخ در ادبیات، خصوصاً ادبیات انقلابی و حماسی، رنگ مهمی است و جایگاه والایی دارد و از آنجا که گل لاله، گلی سرخ

رنگ و آتشین است و از این رو با واژه «خون» تناسب دارد. در شعر قزوه لاله نماد «شهید» است.

سرها رسید از پی هم، مثل سیب سرخ اول سری که رفت به کوفه، حبیب بود!
یک دشت، سیب سرخ، به چیدن رسیده بود باغ شهادتش، به رسیدن رسیده بود
(قزوه، ۱۳۸۶، صص ۳۹-۳۸)

رنگ سرخ، رنگ عاشورا است و در فرهنگ رنگ‌ها، نشانه و نماد شهادت، پاکبازی و از جان گذشتگی است. انسان نیز با شهادت به تکامل می‌رسد و شاعر از شهید به سیب سرخ تعبیر می‌کند و کمال انسان را در شهادت او می‌داند.

۴- ویژگی‌های نحوی (لایه نحوی)

در بررسی ساختار نحوی به ترتیب قرار گرفتن رکن‌های جمله توجه می‌کنیم. برخی به گونه‌ای واژگان و جمله‌ها را با هم ترکیب می‌کنند که خود نرم یا هنجار تازه‌ای می‌آفرینند و شاعرانی هم در ساختار نحوی آفرینش هنری ندارند. البته باید توجه داشت که ساختار نحوی در قالب‌های گوناگون شعر جلوه‌های گوناگون دارد، بدیهی است که شاعر با رعایت جنبه‌های بلاغی کلام پیوسته از زبان خشک و جمله‌های تکراری می‌گریزد و همین گریز از ساخت معمول کلام سبک ویژه‌ای به شعر او می‌دهد.

علیرضا قزوه نیز با توجه به وزن و قالب و ردیف و قافیه و دیگر تنگناهای شعری جمله‌های خود را می‌آفریند و این تسلط باعث شده است که کلام وی روان و بهنجار باشد و به همین جهت است که در این ترکیب‌بند از «ردیف فعلی» بسیار بهره‌می‌برد. در این ترکیب‌بند در بیشتر موارد هرچند جملات با اسلوب طبیعی زبان (فاعل، مفعول و فعل) منطبق نیست و وزن شعر، کاربردهای مجازی و تخیل‌های شاعر، روانی و سلاست متن را با اشکال روبرو می‌کند؛ معمولاً اجزای اصلی جمله، ذکر شده است و برخی حذف‌ها و جایجایی‌ها در اجزای جملات،

عمداً طوری نیست که به تعقید بیانجامد. نمونه‌هایی از هنجارگریزی شاعر که در هر یک انگیزه‌ای زیباشناختی دارد، به شرح زیر می‌باشد:

۱-۴- تاخیر نهاد

شاعر در ابیات زیر می‌خواهد واژه‌های «فرات» و «کربلا» را برجسته‌تر و آشکارتر نماید تا درد جانسوزش را بنمایاند. به همین خاطر نهاد را در آخر آورده است:

فرصت دهید گریه کند بی صدا، فرات با تشنگان بگوید از آن ماجرا، فرات

(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۲۷)

از مکه و مدینه، نشان داشت کربلا گل داد «نور» و «واقع» در حنجر شما

(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۳۱)

۲-۴- آغاز جمله با قید (یک مورد در تمام ترکیب بند)

از بس که تیر بود و سنان بود و نیزه بود هفتاد حجله بسته شد از خیمه تا فرات

(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۲۷)

شاعر با به کار بردن قید علت «از بس» در ابتدای بیت، با مفهوم «فراوانی و کثرت»، تأکید و اغراقی در شعر ایجاد کرده که متناسب با لحن حماسی آن است.

۳-۴- حذف «را» این گونه حذف، که در متون قدیمی دیده می‌شود، در این شعر ناشی از محدودیت‌های وزنی است:

خاتم سوی مدینه بگو بی‌نگین برند! دست بریده، جانب ام‌البنین

(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۲۷)

۴-۴- کاربرد فعل در آغاز جمله

کاربرد فعل آغازین، در بسیاری از موارد نشانگر اهمیت فعل و عمل صورت گرفته است و جنبه تأکیدی دارد. (۱۲م)

می‌آیم از رهی که خطرها در او گم است از هفت منزلی که سفرها در او گم است

جوشید خونم از دل و شد دیده باز، تر نشنید کس مصیبت از این جانگدازتر

(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۱۷)

در ابیات بالا فعل‌های «می‌آیم» و «جوشید» جنبه تأکیدی دارند، تأکید بر اعلام خبری مهم و واقعه‌ای بزرگ و مصیبتی جانگداز.

۵- ویژگی‌های ادبی (لایه بلاغی)

مطالعات سطح بلاغی زبان، سهم زیادی در سبک‌شناسی ادبی دارد. در همین لایه است که سبک‌شناسی می‌تواند با تکیه بر میزان کارکرد آرایه‌های بلاغی و لفظی به سبب کار نویسنده پی‌برد. سبک هر سخن، بر اساس فراوانی کاربرد آرایه‌های بلاغی، سرشت صوری و محتوایی ویژه‌ای پیدامی‌کند. مثلاً کاربرد تشبیه در یک متن، سبک تشبیهی را شکل می‌دهد و بسامد بالای استعاره، سبک استعاری را رقم می‌زند. (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۴ و شمیسا، ۱۳۸۲، صص ۴۰-۳۲)

۵-۲- تشخیص

توجه شاعر به عنصر تشخیص در شعر از ویژگی‌هایی است که به‌وفور دیده‌می‌شود به‌طور کلی می‌توان آن را یکی از خصایص عمده شعر او دانست.

فرصت‌دهید گریه کند بی‌صدا، فرات	با تشنگان بگوید از آن ماجرا، فرات
گیرم فرات بگذرد از خاک کربلا	باورمکن که بگذرد از کربلا، فرات
با چشم اهل راز نگاهی اگر کنید	در بر گرفته مویه کنان مشک را فرات
چشم فرات در ره او اشک بود و اشک	زان‌گونه اشک‌ها که مرا هست با فرات

(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۲۰)

قزوه در این ابیات فرات را مورد خطاب قرارداده و حالات و اعمال انسانی را به او نسبت داده‌است. در این ترکیب‌بند، ۱۰ مورد تشخیص به‌کاررفته و قزوه با بهره‌گیری از عناصر طبیعی و محیطی، مفاهیم مورد نظر خویش را بیان کرده‌است.

۵-۳- تشبیه

تشبیه، ابتدایی‌ترین نوع صور خیال است. در این ترکیب‌بند، ۲۸ تشبیه به کار رفته‌است که اغلب از نوع حسی به حسی هستند که شاعر به مدد تشبیهات بدیع، پیوند عاطفی با مخاطب برقراری کند و با ترکیباتی چون: «باران نیزه، طوفان خون، نوح حادثه، باران تیر، طفل آب، کاروان نیزه، باغ شهادت، شعله‌العطش، دیوان کوفه، مشق گریه، خضر شهادت، چشمه حیات، موج تشنگی» به تداعی مفهوم کلی یاری می‌رساند. تشبیه صریح و بلیغ بیشترین بسامد را در این شعر داراست (۱۸ مورد)

باران نیزه بود و سر شهسوارها جز تشنگی نکرد علاج خمارها

(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۱۷)

طوفان خون وزیده، سر کیست در تنور؟ خاک تو نوح حادثه را می‌دهد نجات!

(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۲۷)

در این ترکیب‌بند، شاعر اندیشه‌ها و عواطف خود را بیشتر به یاری تشبیهات بلیغ و مفصل ارائه داده‌است. در تشبیه بلیغ از وجه شبه خبری نیست. در واقع با حذف وجه شبه تلاش ذهنی و کسب لذت ادبی بیشتر می‌گردد و بر تأثیر تشبیه می‌افزاید. حذف ادات تشبیه، ادعای اتحاد و همسانی مشبه و مشبه‌به، را قوت می‌بخشد و تلاش ذهن را افزون می‌سازد.

تصاویر تشبیهی، بیشتر از نوع حسی به حسی است در این نوع تشبیه یک چیز حسی به چیز حسی دیگری مانند می‌شود. منظور از حسی، اموری است که با یکی از حواس پنجگانه چشایی، بساوایی، شنوایی، بینایی و بویایی قابل درک باشند. به عنوان نمونه، شاعر در بیت بالا نیزه را به باران تشبیه کرده‌است که هر دو به لحاظ بینایی و بساوایی قابل درکند. آنچه که در اهمیت این نوع تشبیهات می‌افزاید، نوآوری در وجوه شباهت آنهاست.

شاعر در بیت دوم امام حسین (ع) را به حضرت نوح (ع) تشبیه کرده و شباهت و تناسبی که بین امام حسین (ع) و حضرت نوح از جهت نجات‌دهندگی وجود دارد، باعث این امر شده‌است. همان‌طوری که نوح (ع) قوم خود را به وسیله کشتی از غرق شدن در طوفان نجات

داد، امام حسین (ع) نیز خود کشتی نجات اسلام شد و حدیث «ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه» بیانگر این موضوع است.

۴-۵- استعاره

یکی از شاخص‌های ارزشمند در شعر علیرضا قزوه استفاده از انواع استعاره است که به مفاهیم متنوعی توجه‌نشان داده و در سطح گسترده‌ای از آن استفاده کرده‌است که در این زمینه توجه شاعر، بیشتر به عناصر دینی و مذهبی و همچنین دفاع مقدس است. در این ترکیب‌بند، ۱۱ استعاره به کاررفته‌است که اغلب از نوع استعارهٔ مصرحه‌اند.

هفتاد و دو ستاره غریبانه سوختند این است آن شبی که سحرها دراو گم است (قزوه، ۱۳۸۶، ص ۱۷)

چشم فرات در ره او اشک بود و اشک زان گونه اشک‌ها که مرا هست با فرات

(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۲۱)

در این ابیات هفتاد و دو ستاره استعاره از هفتاد و دو شهید کربلاست؛ شاعر یاران امام حسین (ع) را که در کربلا به شهادت رسیدند ستاره، که مستعارمنه نیز هست، ذکر کرده‌است و با توجه این که از دو طرف استعاره سخن به میان آمده‌است، استعار مصرحه مطلقه است. در بیت دوم چشم فرات استعاره مکنیه است. شاعر فرات را به انسانی مانند کرده‌است که چشم داشته‌باشد.

۵-۵- تلمیح

از آنجایی که واقعهٔ کربلا از جهاتی به حوادث بسیاری از پیامبران شباهت دارد و همچنین به خاطر تناسب‌های تنگاتنگی که امام حسین (ع) با پیامبران الهی دارد، اندیشهٔ شاعران زیادی را به تشبیه کردن امام حسین (ع) به پیامبران الهی مشغول‌داشته‌است و آنها نیز به طرز جذابی از آرایهٔ تلمیح استفاده کرده‌اند. در این ترکیب‌بند، ۱۴ تلمیح وجود دارد. این تلمیحات هم تلمیحات تاریخی و اساطیری (تنور پیرزن، طوفان نوح) و هم تلمیحات دینی و مذهبی (نوح،

عباس، خضر، یوسف، سلیمان، عیسی، مسیح، هفت منزل، بر فراز نیزه بودن سر مبارک امام حسین (ع)، آیات قرآن و... را دربرمی گیرد. اما دسته دوم از تلمیحات به مراتب، پرکاربردتر از دسته اول هستند.

بر نیزه‌ها تلاوت خورشید، دیدنی‌ست قرآن کسی شنیده از این دلنوازتر
(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۱۸)

طوفان خون وزیده، سر کیست در تنور؟ خاک تو نوح حادثه را می دهد نجات!
(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۲۷)

بیت اول اشاره دارد به بر فراز کردن سر مبارک حضرت امام حسین (ع) و تلاوت قرآن بر سر نیزه. در بیت دوم نیز اشاره دارد به این داستان که بنا به روایتی طوفان حضرت نوح (ع) از تنور پیرزنی شروع شد و از طرف دیگر به دزدیدن سر مبارک امام حسین (ع) و مخفی نمودن در تنور اشاره دارد.

۵-۶- کنایه

کنایه یکی از صورت‌های بیان پوشیده و اسلوب هنری گفتار است. بسیاری از معانی را که اگر با منطق عادی گفتار ادا کنیم لذت بخش نیست و گاه مستهجن و زشت می‌نماید، از رهگذر کنایه می‌توان به اسلوبی دلکش و موثر بیان کرد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۰: ۱۴۰) پس از بررسی‌های دقیق بعمل آمده، در این ترکیب‌بند شش کنایه وجود دارد؛ کنایاتی همچون: «زخم زبان زدن، سایه کسی را با تیر زدن، چارتکییر زدن، داغ سجده داشتن، در رکاب کسی شمشیر زدن و با پای سرآمدن»

بعد از شما به سایه ما تیر می‌زدند زخم زبان به بغض گلوگیر می‌زدند
(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۲۲)

در این بیت سایه کسی را به تیر زدن کنایه از کمال دشمنی را با کسی داشتن و همچنین زخم زبان زدن کنایه از حرف‌های آزاردهنده است که همچون نیشتری به دل مخاطب می‌نشیند. (دشمنی‌ها و سخنان آزاردهنده کوفیان منافق و متظاهر) کنایه‌های به کار رفته در این

ترکیب‌بند از نظر وضوح و آشکار بودن و خفا «ایما» هستند و از نظر دلالت لفظ بر معنی و ساخت، کنایات فعلی‌اند. آنچه در کنایه حائز اهمیت است، فلسفه کاربرد آن و استخراج فرهنگ و تاریخ و مسائل اجتماعی می‌باشد که قزوه به دلیل آگاهی از علوم بلاغت، به زیبایی از آنها بهره برده‌است.

۵-۷- مجاز

مجاز، استفاده از لفظ در غیر معنی حقیقی است به لحاظ وجود قرینه‌ای که مانع از اراده معنی اصل باشد. شرط نقل معنی اصلی (حقیقی) به معنی غیر اصلی (مجازی) وجود تناسبی است بین آن دو و این مناسبت را علاقه گویند. «داد، ۱۳۷۱: ۴۲۷» اشعار علیرضا قزوه با توجه به پیوند عمیقی که با مذهب و نمادهای اسلامی دارد، در بخش عنصر مجاز نیز از مضامین عاشورایی بهره‌ای قابل توجه برده‌است. در این ترکیب‌بند، ۳ مجاز وجود دارد:

یارب، سپاه نیزه، همه دستشان تهی‌ست بی‌توشه‌اند و همراهی کاروان کنند

(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۲۵)

واژه «دست» مجاز از کل است؛ زیرا منظور از دست فقط پنجه دست است و جزیی از کل

تسبیح گریه بود و مصیبت، دو چشم ما یک‌الامان ز کوفه و صدالامان ز شام

(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۴۳)

در این بیت مراد از شام، مردم شام است و قرینه صارفه آن نیز «الامان» است و بی‌مروتی مردم شام، که در حق امامشان کردند.

۵-۸- تناسب

یکی از آرایه‌های ادبی که در ترجیعات عاشورایی خیلی زیاد دیده می‌شود، تناسب یا مراعات‌نظیر است. تناسب‌هایی که در این‌گونه اشعار دیده می‌شود، خاص ادبیات عاشورایی است و در دیگر انواع شعر این کلمات خیلی کم است، و در کنار هم و در یک بیت قرار می‌گیرند و تناسب پیدامی‌کنند، مثلاً: واژه‌های سنان، سر و نیزه در شعر عاشورایی با هم

به خاطر ویژگی‌های خاصی که واقعه عاشورا دارد، در یک بیت به کاررفته‌اند. آرایه‌ها نیز در شعر عاشورایی جلوه‌های متفاوتی از دیگر انواع شعر پیدا می‌کنند. شاعران با بهره‌گیری از تناسب و بار معنایی واژه‌ها و ارتباطی که با هم دارند، بسیاری از رویدادهای عاشورا را به تصویر کشیده‌اند. مثلاً با تناسبی که بین واژه‌های فرات، تشنگی، مشک، کودکان و حضرت عباس (ع) خلق کرده‌اند، به طرز گویایی موضوع تشنگی و مظلومیت اهل بیت بویژه کودکان و حضرت عباس (ع) را به نظم در آورده‌اند. بسامد تناسب در این ترکیب‌بند، قابل اعتناست. قزوه ۲۹ بار این آرایه را به کار گرفته‌است و اغلب عناصر طبیعی، مذهبی و حماسی را در کنار هم قرار داده‌است.

خود، جاری وضوست، ولی در نماز عشق از مشک‌های تشنه وضو می‌کند، فرات
(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۲۷)

رویکرد استفاده از تناسب یا مراعات نظیر در اشعار قزوه در راستای القای اندیشه‌های وی-که بن‌مایه دینی دارند-همخوانی دارد. آنچنانکه در بخش تناسب نیز از مضامین فرهنگ اسلامی طبع آزمایی کرده‌است. در بیت بالا که تلمیحی به واقعه کربلا نیز دارد، واژه‌های نماز، وضو و همچنین تشنگی، مشک و فرات نیز مراعات نظیر تشکیل داده‌اند.

۹-۵- ایهام

ایهام در لغت به معنی به گمان افکندن است. و در اصطلاح بدیع آنست که لفظی بیاورند که دارای دو معنی نزدیک و دور از ذهن باشد و آن را طوری بکار ببرند که شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل شود. (همایی، ۱۳۷۷، ص ۲۶۹)

پس از بررسی‌های دقیق بعمل آمده، در این ترکیب‌بند سه ایهام وجود دارد که به شرح زیر می‌باشد:

گیرم فرات بگذرد از خاک کربلا باورمکن که بگذرد از کربلا، فرات
(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۲۰)

واژه «بگذرد» ایهام دارد: ۱- عبور کند. ۲- بی‌خیال شود، بی تفاوت باشد.

مکتوب می‌رسید فراوان، ولی دریغ خطش تمام، کوفی و مهرش فریب بود

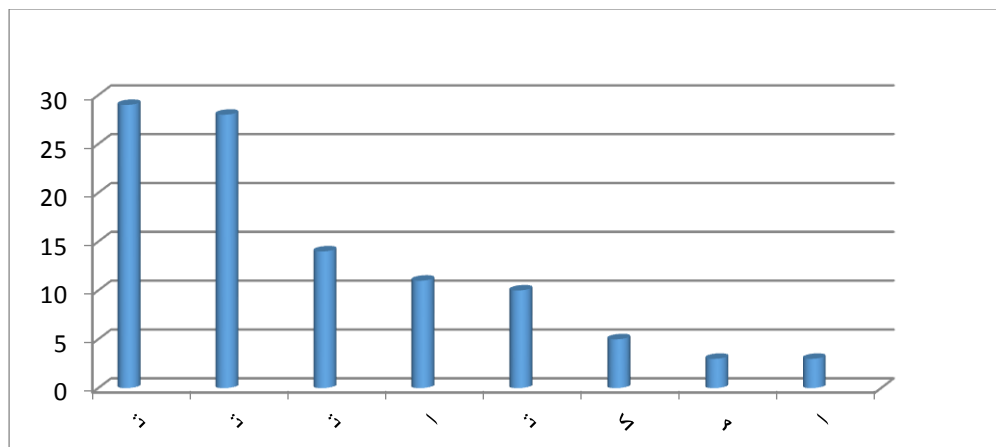
(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۳۹)

خط کوفی ایهام دارد: ۱-خط کوفه ۲-نامه‌ای که از طرف مردم کوفه آمده

بگذار شام، جامه شادی به تن کند شب با غم تو کرده به تن، جامه سیاه!

(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۴۱)

واژه «شام» ایهام دارد: ۱- مردم شهر شام ۲- شب



فراوانی عناصر بلاغی در ترکیب بند «با کاروان نیزه» سروده علیرضا قزوه

۶- ویژگی‌های فکری (لایه معنایی)

در این تحلیل سبک‌شناسی در بررسی سبک‌شناسانه، در لایه فکری به جهان‌بینی، باورها و عقاید و افکار شاعر یا نویسنده پرداخته می‌شود. علیرضا قزوه از پیشتازان و بنیانگذاران شعر آیینی امروز است که تنها به «سوگ» کربلا و بیان مرثیه‌گونه بسنده نکرده است، بلکه به ابعاد

حماسی عاشورا و پیام خون شهید بزرگ کربلا و یاران با وفایش نیز پرداخته است. در اشعار او مواردی را بدین شرح می‌توان مورد بررسی قرارداد:

۱- عشق و ارادت به امام حسین (ع) و یاران وفادارش

علیرضا قزوه به خاطر شیعه بودن و علاقه شدیدش به امامان از جمله امام حسین (ع) و واقعه بزرگ کربلا روحیه ایستادگی و مقاومت و شهادت در بیشتر آثارش به رخ کشیده شده است. چرا که الگو و سرمشق وی در مقاومت، امام شهیدش می‌باشد. آنچنان که در کتاب «با کاروان- نیزه» بارها این علاقه و عشقش را به امام سوم شیعیان و ساحت مقدس شهدای کربلا ابراز داشته و در بند اول آورده است:

دردی کشیده‌ام که دلم داغدار است	داغی کشیده‌ام که جگرها در او گم است
هفتاد و دو ستاره غریبانه سوختند	این است آن شبی که سحرها در او گم است
این سرخی غروب که همرنگ آتش است	توفان کربلاست که سرها در او گم است
همچنین در در بند چهاردهم آورده است:	

قربان آن نی‌بی که دمنش سحر	قربان آن می‌بی که دهندش علی‌الدوام
قربان آن پری که رساند تو را به عرش	قربان آن سری که سجودش شود قیام

وی با سرودن این اشعار هم آلام درونی خود را تسکین داده و هم خدمتی به زنده نگه داشتن آرمان‌های امامش می‌کرد.

۲- بی‌نظیری واقعه کربلا

حادثه عاشورا رویدادی است که تاکنون تاریخ هیچ رویدادی به مظلومیت و تلخی آن ندیده است چرا که دامنه آن بسیار وسیع و گسترده است به همین علت قزوه نیز این مصیبت را عظیم می‌داند:

جوشید خونم از دل و شد دیده باز، تر	نشید کس مصیبت از این جانگداز تر
------------------------------------	---------------------------------

(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۱۸)

نخستین اتفاق تلخ‌تر از تلخ، در تاریخ که پشت عرش را خم کرد، یک ظهر عاشورا

(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۳۳)

وی در مدح امام حسین (ع) و واقعه کربلا می‌نویسد و واقعه کربلا را قبل از وقوعش به تصویر می‌کشد که پیامبران نیز در سوگ امام حسین (ع) گریسته‌اند:

نخستین کس که در مدح تو شعری گفت، آدم بود شروع عشق و آغاز غزل، شاید همان دم بود

(قزوه، ۱۳۹۰، ص ۳۰)

۳-تظاهر کوفیان

یکی از مهم‌ترین مسائلی که باعث ایجاد و به‌وقوع پیوستن واقعه عاشورا و کشاندن امام حسین (ع) به صحرای کربلا شد، تظاهر مردم کوفه بود؛ مردم منافقی که دلشان با امام بود ولی شمشیرهایشان همواره برهنه برای جنگ با او بود. علیرضا قزوه این افراد را که به خیمه امام حسین (ع) حمله‌ور شده بودند، به‌باد انتقاد گرفته و بندگی آنان را به‌سخره می‌گیرد چرا که از عبادت جز ظاهرش را نفهمیدند و این چنین آنان را به‌تصویر کشیده‌است:

بعد از شما به سایه ما تیر می‌زدند	زخم زبان به بغض گلوگیری زدند
در پنج نوبتی که هبا شد نمازشان	بر عشق، چار مرتبه تکبیر می‌زدند
پیشانی تمامی‌شان داغ‌سجده‌داشت	آنان که خیمه گاه مرا تیر می‌زدند
این مردمان غریبه نبودند، ای پدر	دیروز در رکاب تو شمشیر می‌زدند

(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۲۳)

قزوه در جای دیگر دوباره زبان به شکوه از قاتلان امام حسین (ع) می‌گشاید:

دست خداست، این که شکستید بیعتش دستی خدای گونه‌تر از این بیاورید

(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۲۸)

مردم کوفه با نوشتن نامه‌های فراوان از امام (ع) درخواست کردند که به شهر آنها بیاید ولی امام با شناختی که از کوفیان داشت مطمئن بود که راهی می‌رود، باز گشت‌ندارد. آنچنان که قزوه از فریب و نیرنگ کوفیان می‌گوید:

مکتوب می‌رسید فراوان، ولی دریغ خطش تمام، کوفی و مهرش فریب بود
(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۳۹)

و در مقابل از وفای به عهدی و مطیع بودن یاران امام (ع) می‌نویسد:

اما حبیب، رنگ خدا داشت نامه‌اش اما حبیب، جوهرش «امن یجیب» بود
(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۳۹)

۴- حضرت عباس (ع) اسوهٔ ایثار و مردانگی

یکی از بارزترین خصوصیات حضرت عباس (ع) ایثار، گذشت و فداکاری‌های اوست تا جایی که تمام اعضای بدن خود وقف سیراب کردن تشنگان اهل بیت (ع) نمود و خود در کنار فرات، تشنه‌لب به شهادت رسید بطوری که قزوه در میان نوحه‌سراییه‌ها از رشادات یاران امام حسین (ع) لب‌می‌گشاید و از عشق و دلدادگی و فداکاری آنان سخن می‌گوید:

در مشک تشنه، جرعهٔ آبی هنوز هست اما به خیمه‌ها برسد با کدام دست؟
(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۳۲)

۵- عزاداری پرندگان، رودها و ...

تمام جانداران و کائنات بر امام (ع) و یاران با وفایش جامهٔ سیاه برتن کرده و زانوی غم به بغل گرفته و هزاران مرتبه خویش را در خاموشی و فراموشی گریسته‌اند. بطوری که قزوه شب را سیاه‌پوش عزای امام می‌داند:

بگذار شام، جامه‌ی شادی به تن کند شب با غم تو کرده به تن، جامهٔ سیاه!
(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۴۱)

شاعر سعی می‌کند که عزاداری و سوگواری برای امام حسین (ع) را مختص به انسان‌ها نکند، بلکه تمام موجودات و پدیده‌های طبیعت را نیز در این مصیبت و عزا شریک‌بداند. به همین خاطر بعضی وقت‌ها از زبان مشک مویه‌می‌شنود و گاهی وقت‌ها به درد دل فرات گوش می‌دهد و شاهد گریه و زاری اوست:

فرصت دهید گریه کند بی‌صدا، فرات با تشنگان بگوید از آن ماجرا، فرات

گیرم فرات بگذرد از خاک کربلا باورمکن که بگذرد از کربلا، فرات
چشم فرات در ره او اشک بود و اشک زان گونه اشک ها که مرا هست با فرات
با چشم اهل راز نگاهی اگر کنید در بر گرفته مویه کنان مشک را فرات

(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۲۰)

قزوه عاشق امام حسین (ع) است و ماه محرم را با وجود ماه ماتم و عزا، بهترین ماه می داند:
از محرم، دم به دم هر چند ماتم می چکد باز اما بهترین ماه است، می دانی چرا!
(قزوه ۱۳۸۷، ص ۱۱۵)

به همین خاطر همه را به عزا و گریه بر مصیبت امام (ع) دعوت می کند .

با کاروان نیزه شبی را سحر کنید باران شوید و با همه تن، گریه سر کنید
(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۱۹)

۶- تشنگی

یکی از موضوعاتی که شاعران در به تصویر کشیدن حادثه کربلا، فراوان به آن پرداخته اند، تشنگی است. اگر دشمن شریعه فرات را بر امام و یارانش نمی بست و با لب تشنه به شهادت نمی رسیدند و کودکان قربانی حملات بی رحمانه عطش نمی شدند، بدون شک از تاثیر واقعه کربلا کاسته می شد. اما بعد از آن واقعه تاکنون، می بینیم که مردم به لب تشنه امام حسین (ع) قسم یاد می کنند. اگر تشنگی، قصد گلوی حضرت علی اصغر (ع) نمی کرد، شاید گلوی نازک او آماج تیر جفا نمی شد و اگر تشنگی، عرصه را بر اهل بیت (ع) تنگ نمی کرد، شاید حضرت عباس (ع) دو دست مبارک خود را از دست نمی داد. بی گمان، تشنه لب شهید شدن سعادت است که نصیب هر کسی نمی شود.

چون تشنه لب شهید شدن از سعادتست چون است آنکه تشنه لب دشت کربلاست
(دیوان وصال، ص ۵۱)

علیرضا قزوه به طرز زیبایی به مسأله تشنگی پرداخته است و با استفاده از آرایه انسان نمایی پدیده‌ها بارها با تشنگی و فرات به گفتگو نشسته است و در بیت زیر معتقد است که کسی جز تشنگی، درد خمارها را علاج نکرده است:

باران نیزه بود و سر شهسوارها جز تشنگی نکرد علاج خمارها

(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۱۷)

تشنگی و آب از طرفی نسبت به این حادثه، شاید از پر رمز و رازترین کلمات باشد. تشنگان در آن سویند و آب، مهر مادر اوست. پس آب به سادگی، حقیقت خود را وا نمی‌نماید و آشکار نمی‌شود. تشنگی هم حقیقت خود را آشکار می‌کند. برداشت قزوه نیز برداشتی رمزی و زیباست. بی‌شک یکی از عواملی که باعث مانایی و پویایی و ماندگاری واقعه کربلا شده است، تشنگی است.

از حلق‌های تشنه، صدای اذان رسید در آن غروب، تا که سرت بر سنان رسید

وقت غروب آمده، سرهای تشنه را از نیزه‌های بر شده پایین بیاورید

شد شعله‌های العطش تشنگان، بلند باران نیزه آمد و بر چشم‌ها نشست

(قزوه، ۱۳۸۶، صص ۱۳-۱۵)

۷- سیمای کودکان

یکی از دردناک‌ترین وقایع کربلا حضور و سرانجام شهادت مظلومانه کودکان است که شنیدن ماجرای به شهادت رساندن این کودکان دل هر انسانی را به دردمی آورد و بر مظلومیت و بی‌کسی امام و یارانش صحنه می‌گذارد. از جمله این کودکان که بالبی تشنه و به طرزی فجیعی به دست حرمه به شهادت رسید، حضرت علی اصغر (ع) است که امام حسین (ع) آخرین سربازش را نیز برای اثبات عشق خود به خدا به میدان می‌آورد و در راه خدا قربانی می‌دهد تا ایثار و گذشت در راه حق را، به جهانیان نشان دهد. امکان ندارد که حادثه جان‌سوز کربلا در ذهن کسی تداعی پیدا کند ولی سیمای کودکان مظلوم، دل وی را به درد نیاورد آنچنان که قزوه این حادثه جان‌سوز را به خوبی به تصویر کشیده است:

قنداق اصغر است مرا تیر آخرین
 در عاشقی نبوده ز من پاکبازتر
 غوغای فتنه بود که با تیغ آبدار
 آتش به جان کودک بی شیر می زدند
 آن کهکشانشعله‌ور راه شیری است
 یا روشنای خون علی اصغر است
 (قزوه، ۱۳۸۶، ص ۱۹)

۸- ولایت‌پذیری

قزوه با ولایت‌پذیری و اعتقادش به این که راه رسیدن به کربلا و عاشورا داشتن اعتقاد به ماجرای فدک و مظلومیت حضرت زهرا (س) است، آورده است:

مگر آب وضوی تو، ز چشمه سار فدک باشد
 و گرنه راه نخواهی برد، به کربلا و به عاشورا
 (قزوه، ۱۳۹۰، ص ۴۰)

در خلوت نماز، چو تحت الحنک کنم
 راز غم‌دیر گویم و شرح فدک کنم
 (قزوه، ۱۳۸۶، ص ۳۵)

درجایی دیگر قزوه در شعری یکی از موهبت‌های قیام خونین عاشورا را، اثبات ولایت امیرالمومنین و نشان‌دادن مظلومیت و سکوت مولا می‌داند. چرا که عاشورا، ادامه راه امامان مظلوم پیشین است و طوفان کربلا، این مظلومیت را به جهانیان نمایان ساخته است:

اگر در کربلا توفان نمی‌شد کس نمی‌فهمید
 چرا یک عمر پشت ذوالفقار مرتضی خم بود
 (قزوه، ۱۳۹۰، ص ۳۴)

۹- جلوه‌های خیمه

خیمه در حقیقت همان حکم خانه را دارد، یک حریم است و حرمت هیچ حریمی نباید شکسته شود. حریمی که در آن خانواده پیامبر آسوده‌اند، همراه با زنان و کودکان. پس از کشته شدن امام، دشمن به خیمه‌ها حمله کرده و حرمت‌شکنی می‌کند و در همین جاست که نقش خیمه‌ها پررنگ‌تر می‌شود. دشمن به خیال خود می‌خواست تمام آثار حیات امام حسین (ع) و یارانش را از میان بردارد، در حالیکه نمی‌دانست با اینکار مظلومیت آنها را

آشکارتر کرد. عمق این حادثه تلخ و جانگداز (به آتش کشیدن خیمه‌ها) را شاعران زیادی درک کرده‌اند و به بیان جنایات و بی‌رحمی‌های کوفیان و مظلومیت خاندان پیامبر(ص) پرداخته‌اند اما سخن قزوه چیز دیگریست:

از بس که تیر بود و سنان بود و نیزه بود هفتاد حجله بسته شد از خیمه تا فرات
(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۲۱)

۱۰- ظهور اسوه‌ها و اسطوره‌ها

از دیدگاه نقد اسطوره‌ای نیز حضور و ظهور اسوه‌ها و اسطوره‌ها در این شعر چشم گیر است. البته حضور اسطوره در این شعر قزوه صرفاً در حد ذکر نام و استفاده از آنها به عنوان پیرایه‌هایی در تعبیر شعری در حد لایه‌های بیرونی شعر نیست، بلکه بهره‌گیری‌هایی تصویری بیشتر مبتنی بر تشبیه یا استعاره است. این شکل از استفاده، اگر چه در حد یک تلمیح یا اشاره بر اساس زمینه‌های قابل تداعی صورت گرفته است، اما در اکثر بندهای شعر، در توان القایی و تأثیری شعر مفید افتاده است، بی‌آنکه منزلت حضور اسوه‌ها را در شعر کلیشه‌ای یا نازل نماید.

دیوان کوفه از پی تاراج آمدند گم شد نگین آبی انگشتر شما
(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۳۱)

طوفان خون وزیده، سر کیست در تنور؟ خاک تو نوح حادثه را می دهد نجات
بین دو نهر، خضر شهادت به جستجوست تا آب نوشد از لب، ای چشمه حیات
(قزوه، ۱۳۸۶، ص ۲۷)

شاعر در این ابیات با آوردن اسم‌های اساطیری و تاریخی و دینی و مذهبی و خلق تصاویر بلاغی چون استعار، تشبیه و تلمیح و همچنین به علت تشابه واقعه کربلا به حوادث بسیاری از پیامبران، امام حسین (ع) را به آن پیامبران الهی تشبیه کرده و قیام آن اسوه‌ها و اسطوره‌ها که قیام در برابر ظلم بود، با مضامین مذهبی و حادثه کربلا پیوند زده است که همانا قیام در برابر ظلم، حادثه مکرر تاریخ است.

نتیجه‌گیری

سروده‌های عاشورایی از رایج‌ترین اقسام شعر آیینی است. در این‌گونه اشعار جلوه‌های گوناگونی از این واقعه منعکس شده‌است و شاعران با رویکردهای متفاوتی یکی از ابعاد این حادثه را به‌تصویر کشیده‌اند. گاهی مصیبت آن روز و اندوهش توصیف‌می‌شود و گاهی، وقایع این روز با نگاهی عرفانی-حماسی و در سطح وسیع‌تر ترسیم می‌شود.

علیرضا قزوه ضمن خلق شعری حماسی و پرشور، به‌طور مستقیم به حادثه عاشورا نمی‌پردازد بلکه با تلمیح‌های متعدد، غیرمستقیم از مصائب آن روز سخن می‌گوید. شعر او صرفاً بیان اندوه نیست. او سعی می‌کند غمی سازنده را در جان مخاطب بریزد و اهداف این حادثه را برجسته نماید و دربارهٔ عوامل ایجاد آن صحبت کند و آن را بستری مناسب برای بیان مفاهیم آزادی، دفاع از حق و مقاومت در برابر ظلم قرار دهد.

در سطح ساختار، قوافی، ردیف‌ها و واژگرنی‌هایش همه در راستای همین هدف انتخاب شده‌است. این ساختارها، شبکه‌ای از مضامین را در خود جای داده‌است که از عظمت یک انقلاب خبرمی‌دهد. ترکیب‌بند قزوه بیداری‌بخش بودن حادثه عاشورا را القامی‌کند. در بندهای مختلف این شعر، همه‌جا شوری در کلام موج می‌زند که سعی دارد اهداف این قیام را زنده‌نگاه دارد و آن یک حرکت دائمی و سکون‌ناپذیر توصیف کند. ترکیب‌بند «با کاروان نیزه» گزارش یک قیام است؛ نه افسوس بر یک مصیبت.

از دیگر ویژگی‌های زبانی قزوه، حضور و ظهور اسوه‌ها و اسطوره‌ها در این ترکیب‌بند است که وی به‌خوبی از آنها در جهت بهره‌گیری‌هایی تصویری بیشتر مبتنی بر تشبیه یا استعاره استفاده کرده‌است. از ویژگی‌های ادبی قزوه می‌توان به استفاده فراوان از تشبیه، تناسب، تلمیح، تشخیص، کنایه و استعاره اشاره کرد. این ویژگی‌ها نسبت به سایر صناعات ادبی در این شعر بیشتر استفاده شده‌است.

منابع:

قرآن کریم.

- بهار، محمد تقی (۲۵۳۶). **سبک‌شناسی**، ج ۴، ج ۱، تهران: پرستوامیر کبیر.
- تقوی، سید نصرالله (۱۳۶۳). **هنجار گفتار**، ج ۲، اصفهان: فرهنگسرای اصفهان.
- داد، سیما (۱۳۷۱). **فرهنگ اصطلاحات ادبی**، تهران: مروارید.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰). **نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس**، تهران: پالیزیان.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۵۰). **صور خیال در شعر پارسی**. تهران: نیل.
- ، ----- (۱۳۷۰). **موسیقی شعر**، ج ۳، تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳). **معانی و بیان**، ج ۸، تهران: انتشارات فردوس.
- ، ----- (۱۳۸۲). **سبک‌شناسی شعر فارسی**، ج ۸، تهران: فردوس.
- غلامرضایی، محمد (۱۳۷۷). **سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو**، تهران: جامی.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱). **سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها**، تهران: سخن.
- قزوه، علیرضا (۱۳۸۶). **باکاروان نیزه**، ج ۵، تهران: انتشارات سوره ی مهر.
- ، ----- (۱۳۸۹). **سوره انگور**، تهران: نشر اتکا.
- ، ----- (۱۳۹۰). **عشق علیه السلام**، ج ۳، تهران: انتشارات سوره ی مهر.
- لنگرودی، شمس (۱۳۷۹). **تاریخ تحلیلی شعر نو**، ج ۴، تهران: فردوس.
- محدثی، جواد (۱۳۹۱). **فرهنگ عاشورا**، ج ۱، قم: نشر معروف.
- محدثی خراسانی، زهرا (۱۳۸۸). **شعرآیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن**، ج ۱، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- مظفری، علیرضا (۱۳۸۱). **خیل خیال**، ارومیه: دانشگاه ارومیه.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۵). **فرهنگ نام آوایی فارسی**، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ، ----- (۱۳۷۲). **وزن و قافیه شعر فارسی**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- وصال شیرازی، میرزاشفیعی (۱۳۸۲). **دیوان اشعار**، به کوشش داریوش کاظمی، کرمان: انتشارات دانشگاه آزاد.
- ورنداک، پیتیر (۱۳۹۳). **مبانی سبک‌شناسی**، ترجمه محمد غفاری، ج ۲، تهران: نی.
- همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۳). **معانی و بیان**، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: هما.
- ، ----- (۱۳۷۷). **فنون بلاغت و صناعات ادبی**، تهران: هما.